



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

یکی از آن چهل دجال ها

- السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تماشای های عزیز. در حال حاضر با یک شیخ از نقشبندی ها هستیم، حضرت شیخ محمد عادل در بیگلربیگی بدوی تکیه. اول از همه می خواهیم از شیخ افندی خیلی تشکر کنیم که این مصاحبه را قبول کرد. استادم، از شما بسیار سپاسگزارم.

- که الله ازت راضی باشد. و علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته. وظیفه مان است. خواب، بیشتر دوست داشته بودیم در این موضوع ها دخالت نه کنیم. هرگز در سیاست دخالت نمی کنیم اما این موضوع دیگر سیاست نیست. این با حقیقت ربط دارد. "الساکت عن الحق شیطان أخرس" فکر کنم یک حدیث شریف است. یعنی، "آن کس که حقیقت را نمی گوید، یک شیطان بدون زبان است". این یک موضوع مهم است. این ادامه دارد. برخی آدم ها اشتباه می کنند، و برخی دیگر فریب ادامه می دهند. به این دلیل است که این مصاحبه را قبول کردیم. در غیره این صورت، در تلویزیون ظهور نمی شدیم، یعنی این جور موضوع ها را دوست نداریم. اما این یک وظیفه است. انشاءالله مفید باشد.

- که الله ازت راضی باشد پیر من. با اجازه تان، شیخ من می خواهم اولین سواحل از تون ببرسم. شما یک صحبت در گولباشی، آنکارا [درگاه]. صحبتی است که حتی در اینترنت هم خیلی جواب خوبی پیدا کرد. تا حال شیخ من، همانطور که می دانید، آن یک رهبر است، فتح الله گولن، از سازمان فتحا است که ما را توی همه این مشکل ها کرد. برخی دانشمندان و بزرگان گفتند تا امروز که او یک مرتد است، او دین را ترک کرد، و برخی ها هستند که توضیح دادن، اما هیچ کدام انقدر دقیق هنوز به آن نه گفت: دجال. بر اساس این صحبت، سلطان من، سوال که می خواهیم به شما بپرسیم: میتوانیم به فتحا دجال بگویم، و اگر این ها انجام بدهیم کدام آشکاری داریم که این را انجام بدهیم؟

- در حل حاضر دجال واقعی که داریم صحبت می کنیم، فرد است که در موردش حضرت پیامبر (ص) ما تحریف کرده بود. او در آخر زمان ظهور می شود. او دجال واقعی است، اما او می گوید، "چهل قبل از او ظاهر خواهد شد." آنها این مردم را فریب می دهند و دین را یک جور دیگر نشان می دهند. میدانستیم چه جور انسان بودند اما هیچی نه گفتیم، اما هنگامی که چون ریخته شده، دیگر نمی توانیم سکون بمانیم. پس او این نوع انسان است، از اکنون. نمی توانیم آن را به اسم دیگری بگویم.

زیرا به عنوان یک طریقت و به عنوان مسلمان، آنچه که از حضرت پیامبر (ص) ما آید گرفتیم، رحمت است. یک مسلمان، خون هیچ کس را نمی ریزد، چه مسلمان و چه نا مسلمان باشد، با او آن کار ها را بدون دلیل انجام نمی دهد. با این حال، پس از خون یک مسلمان، یک علم، و یک مؤمن واقعی ریختند، به او به جز دجال اسم دیگر نمی توانیم بگویم.

بنابراین، به او دجال واقعی نمی گویم، اما می گویم که یکی از چهل تا است. چونکه او، یک قسمت بزرگ مردم را گول زد و خیلی ظلم و ستم کرد. بسیاری از مردم تا حال فریب خورده اند، و هنوز هم هستند کسانی که در حال فریب خوردند هستند. به این دلیل است که این را می گویم، چونکه دجال



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

حقیقت به عنوان باطل نشان می دهد و باطل را به عنوان حقیقت. او بهشت را به عنوان جهنم و جهنم را به عنوان بهشت نشان می دهد. هر کسی او را پیروی کند برای بهشت رفتند، به جهنم می رود. از سوی دیگر، کسانی که با او مقابله می کنند و میگردند مثل اینک در جهنم می پرند، بهشت را پیدا می کنند. چونکه دجال واقعی شهید می کند کسانی که او را قبول نمی کنند.

این وضعیت که ما می بینیم تقریباً همان است. هیچ چیز دیگری نیست که بتوانیم ببینیم. هیچ چیزی نیست که بتوانیم ببخشیم، هیچ چیزی نیست که به عنوان عذر (بهانه) بتوانیم نشان بدهیم. به خاطر این غمگین هستیم، حتی پس از همه این چیزها که اتفاق افتادند، مردم می گویند، "نه، او این کار را انجام نداد." البته، کسانی که می گویند چنین چیزهایی مردم ساده هستند، آنها مردمی هستند که بهشان خیانت شده، انقدر که تا حال نمیتوانند بگویند، "او این کار را نداد." اما، او آن کار را انجام داده است. بنابراین همه چیز باز و روشن است.

من در شام به دنیا آمدم. ما رژیم بعث را و کودتا او را دیدیم. تنها آنجا میتوانست اتفاق بیفتد: انقدر بسیاری مواقع آنها در مسجد اموی با تنک وارد شده اند. کودتای هر شش ماه آنجا اتفاق می افتاد. این چنین چیزها اتفاق می افتند. آن را در لبنان در ۱۹۷۲ دیدیم: تانک های اسرائیلی ماشین ها را با مردم توش بودن صاف می کردند، مثل اینک هیچ کس داخل شان نه بود. بنابراین، بهانه این جور قبول نمی کنیم، از هیچ کسی که چنین کاری انجام داده است. نمی توانیم کوچکترین چیزی به عنوان بهانه نشان بدهیم. اگر آن را بگویم، دروغگو می شویم، یک شهادت دروغی می شد. یک شاهد دروغ، یکی از بدترین گناهان است.

- باشه، استادم، می گویند دجال خیلی داخل آنها شده، مردمی که از او پیروی می کنند، همینطور به جهنم میروند. هنوز افرادی است، که به نامه سرنوشت، می گویند، "مولای ما، رسول الله (ص)، مسئولیت ترکیه را به استاد افندی (فتحا) داده است. هر چه او انجام می دهد، برای یک دلیل است،" و او را پیروی می کنیم. چه میتوانیم به این افراد بگویم، مولای من؟ چه آگاهی دارید؟

- قبل این را (تازه) گفتیم: هیچ بهانه نیست، هیچ بهانه ی وجود ندارد. اجازه دهید آنها خود شان را از خطر نجات کنند. کسانی که حواس شان جمع است، باید به الله شکر بگویند. اجازه دهید آنها نماز شکر بخوانند با بگویند، "ما از این در این دنیا نجات پیدا کردیم، همینطوری بشود از جهنم در آخرت نجات پیدا کنیم."

- بسیار خوب. استادم، در آخر، بعد از این هنوز خطر از تعرفه آنها برای امت محمد وجود دارد، برای کشورمان، برای ملت مان؟

- آنها خطرهای بیشتری ندارند به خواست الله. هیچ خطیری نیست، اما زمان فتنه است، آخر زمان است. پس از همه، از مقوی که این کشور ترکیه سرش را بیرون آورد برای اسلام، مشکلات تمام نه شدند



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

و همه شیاطین حمله می کنند. شکر به الله، که هر جای که برویم، میبینیم کشورمان در راه الله (جل جلاله) است، در راه پیمبر (ص) است، و خون و روح خودشان در راه راست فدا کاری کردند.

خون در همه جا ها ریخته شده: در آسیای مرکزی، در روسیه، و در هر جای کشور ما جان خود را برای الله بدون بهم زدن یک چشم فدا کاری کرده. به همین دلیل است، که بزرگترین دشمن شیطان، کشور ما است. شکر به الله، آنها به پایین رسیدند. دیگران در حال حاضر، در حال از بین رفتن هستند. باید مراقب فتنه های دیگران باشیم. آنها هیچ قدرتی دیگر ندارند. فقط برای این که کشورمان ناراحت کنند، می گویند، "این اتفاق خواهد افتاد و آن اتفاق خواهد افتاد." از حال تا بعد هیچ چیزی دیگر نمی تواند اتفاق بیافتد، به خواست الله.

- انشاءالله این فتنه تمام شده است، سلطان من.

- بله.

- اره استادم. که خداوند از شما راضی باشد. خیلی ممنون. سوال دیگری در مورد این موضوع بود، اما در حال حاضر شما به آن پاسخ دادید. قرار بود بپرسیم، "چه فکر می کنید در باره مردم مان که روزه ۱۵ ژوئیه بیرون در خیابان رفتند؟ آیا پاداشی برای جهاد آنها وجود دارد؟ اما هنگامی که گفتید کشورمان دشمن شیطان است، به این سوال پاسخ دادید.

شکر به الله، شکر به الله. همانطور که گفتی است. شما میبینید چیزهای، که هیچ موقع دوست نه داشتید اتفاق بیافتد، و دارند اتفاق میافتند. گاهی اوقات، یک فرد کشور را در نظر می گیرد و فکر می کند، "خوب نیست." یعنی، وضع بعد را می بیند، اما هنگامی که چیزها جدی می شوند، الله بهشان الهام می کند و پس از راه اجداد میروید، و بلافاصله بیدار می شوند.

- خیلی خوب، استادمان، بسیار از شما سپاسگزاریم.

- متشکرم.

- که الله از شما راضی باشد، به خاطر توضیح ارزشمندتان.

- تشکر، تشکر. به الله از شما راضی باشد. السلام علیکم. که خداوند همه ما را انشاءالله محافظت

کند.

و من الله التوفیق.

الفتاحه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۵ ذی الحجّه ۱۴۳۷، درگاه بیگلربیگی